

Wort des Tages لغت روز , اصطلاحات بانکی در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | مارس 4, 2017

Das Konto

حساب بانکی

Die Zahl

عدد ، رقم ، تعداد ، میزان ، مقدار

nachsehen یک فعل جدا شدنی می باشد

با چشم کسی را تعقیب و دنبال کردن ، نظارت کردن ، پیگیری کردن ، بررسی کردن ، مطلبی را در کتاب یا کامپیوتر جستجو کردن ، گذشت کردن ، عفو کردن

گذشته ساده : sahen nach

گذشته کامل : haben nachgesehen

Können Sie mal nachsehen, ob die Zahl in Ihrem Computer ist

می توانید یک نگاهی ببیند که آیا آن عدد در کامپیوترتان است؟

Können Sie mal nachsehen, ob Sie meine neue Adresse haben

می توانید بررسی کنید که آیا آدرس جدید منرا دارید ؟

ausstellen یک فعل جدا شدنی می باشد

شناسنامه یا نظایر آن را صادر کردن ، در معرض دید قرار دادن

stellen aus : گذشته ساده

ausgestellt : گذشته کامل

Ich musste mir eine neue Karte ausstellen lassen

باید برای خودم یک کارت جدید می گذاشتم صادر کنند.

auszahlen یک فعل جدا شدنی می باشد

پرداختن ، به مبلغی رضایت دادن ، ارزش داشتن ، قابل بودن ، ارزشمند بودن

zahlten aus : گذشته ساده

haben ausgezahlt : گذشته کامل

Mir das Geld am Schalter auszahlen lassen

بگذارم برایم آن پول در گیشه پرداخت شود.

In jeder Stadt gibt es verschiedene Banken

در هر شهری بانک های متفاوتی وجود دارد.

Geld auf ein Konto einzahlen

پولی را به یک حساب واریز کردن

Geld auf die Bank bringen

از بانک پول آوردن

که در فارسی گفته می شود : از بانک پول گرفتن!

Die Bank, die Banken

بانک ، بانک ها

Melanie und Stefan möchten ein Haus kaufen. Heute haben sie einen Termin bei der Bank, um einen Kredit zu bekommen

ملانی و اشتفان می خواهند یک خانه بخرند ، امروز آنها یک قرار ملاقات را در بانک دارند ، تا یک وام را دریافت بکنند.

Die Filiale, die Filialen

شعبه ، شعب

Manche Banken haben sehr viele Filialen, andere gar keine
بعضی از بانک های شعبه های خیلی زیادی دارند ، بعضی ها اصلا شعبه ای ندارند.

Der Schalter, die Schalter

گیشه ، گیشه ها

Heutzutage heben die meisten Menschen Geld am Automaten ab. Früher hat man das am Schalter gemacht

امروزه اغلب مردم پول را از دستگاه خود پرداز برداشت میکنند، قبل ها آدم آنرا در گیشه انجام میداد.

Der Bankkaufmann / die Bankkauffrau

بانکدار (مذکر) / بانکدار (مونث)

.Peter arbeitet bei einer Bank. Er ist Bankkaufmann von Beruf

پیتر نزد یک بانک کار میکند ، شغل او بانکداری است.

Der Geldautomat, die Geldautomaten

دستگاه خودپرداز ، دستگاه های خود پرداز

Entschuldigung, wo ist der nächste Geldautomat?

ببخشید ، نزدیک ترین خودپرداز کجاست ؟

Die Karte, die Karten

Die EC-Karte, die EC-Karten

کارت بانکی ، کارت های بانکی

Wie möchten Sie zahlen - bar oder mit Karte?

چگونه تمایل دارید پرداخت کنید - نقد یا با کارت بانکی ؟

Sie können bei uns leider nicht mit Kreditkarte bezahlen. Wir akzeptieren nur EC-Karten und Bargeld

شما متاسفانه نمی توانید نزد ما با کارت های اعتباری پرداخت کنید ، ما فقط کارت های بانکی و پول نقد را می پذیریم.

Die Geheimzahl, die Geheimzahlen

رمز عبور ، رموز عبور

Wenn man seine Geheimzahl am Geldautomaten dreimal falsch eingibt, dann wird sie eingezogen

چنانچه آدم در دستگاه خودپرداز ، رمز عبورش را ۳ مرتبه اشتباه وارد کند ، پس از آن ، کارتتش به داخل کشیده خواهد شد.

Die Karte sperren lassen

بگذاریم یک کارت بانکی را مسدود کنند

Ich habe meine Bankkarte verloren! Ich muss sie dringend sperren lassen. Am besten rufe ich sofort bei der Hotline an

من کارت بانکی ام را گم کردم ، من باید آنرا فوری بگذارم مسدود کنند ، در بهترین حالت سریع با تلفن پشتیبانی تماس برقرار میکنم.

Geld einzahlen

پولی را به یک حساب یا یک صندوق واریز کردن

Guten Tag, ich möchte 200€ auf mein Konto einzahlen

روز بخیر ، من می خواستم ۲۰۰ یورو به حسابم واریز کنم.

Geld abheben

پولی را از یک حساب برداشتن

.Bevor wir heute Abend in die Altstadt gehen, muss ich noch Geld abheben

پیش از اینکه امروز عصر ما در منطقه قدیمی شهر برویم ، باید من از بانک هم پول بگیرم (برداشت کنم)

Das Konto überziehen

از یک حساب برداشت اضافی کردن ، از یک حساب پول بیشتر برداشتن

Wenn man im Minus ist, dann hat man sein Konto überzogen

اگر حساب یک نفر منفی است ، بنابراین او از حسابش پول بیشتری برداشت کرده است.

Der Dauerauftrag, die Daueraufträge

در درس های گذشته گفتیم که Dauerauftrag به عملی گفته می شود که مشتری از بانک درخواست می کند که در یک تاریخ مشخص یک مبلغ معینی از حساب به صورت اتوماتیک برداشته شود و به یک حساب دیگر واریز شود. که برای کوتاه کردن ترجمه ، آنرا به پرداخت ماهیانه ترجمه کردیم.

پرداخت ماهیانه

Für regelmäßige Zahlungen wie Miete und Nebenkosten sollte man einen Dauerauftrag einrichten, damit man die Überweisung nicht vergisst

برای پرداخت های که بر طبق عادت هستند ، همانند کرایه و مخارج جانی (پول آب ، پول موتور خانه و ...) می بایستی آدم یک پرداخت ماهیانه را ایجاد کند. بدین وسیله آدم واریز کردن را فراموش نمیکند.

Der Kontoauszug, die Kontoauszüge

صورت حساب بانکی ، صورت حساب های بانکی

Kontoauszüge braucht man, um Zahlungseingänge und Zahlungsausgänge nachzuweisen

آدم صورتحساب های بانکی را نیاز دارد ، تا واریز ها و برداشت ها را اثبات بکند.

Ein Konto eröffnen

یک حساب بانکی را تاسیس کردن ، یک حساب بانکی را باز کردن

Wenn Sie neu in Deutschland sind, sollten Sie hier ein Konto eröffnen

اگر شما تازه در آلمان هستید (آمده اید) می بایستی اینجا یک حساب بانکی باز کنید.

Der Zins, die Zinsen

سود یا بهره بانکی ، سود یا بهره های بانکی

Im Moment bekommt man für sein Geld auf dem Konto relativ wenig Zinsen

در این زمان آدم برای پولش در بانک نسبتاً سود و بهره های کمی دریافت میکند.

Das Bankgeschäft, die Bankgeschäfte

کار بانکی ، کارهای بانکی

Viele Bankgeschäfte wie Geld überweisen oder den Kontostand abfragen kann man heutzutage
online erledigen

خیلی از کارهای بانکی مانند واریز پول به یک حساب یا موجودی حساب را آدم می تواند امروزه به صورت آنلاین انجام بدهد.

چنانچه شما نیز اصطلاح یا پرسشی در این زمینه دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات درج کنید.